



نقش نظارتی زنان در مردمی سازی حکمرانی متعالی با تأکید بر سازمان های مردم نهاد

زهرا نظری

چکیده: پرداختن به مباحث حوزه حکمرانی به خصوص حکمرانی متعالی به عنوان یکی از حوزه های فکری علوم انسانی از دریچه و منظر مبانی اسلامی امری حیاتی و خطیر است. مردم سالاری دینی، سبکی از نظام سیاسی است که با مردمی سازی حکمرانی بر مبنای اصول و بنیانهای اسلام سیاسی و مشروعیت الهی و نیز با تکیه بر ظرفیتهای مقبولیت و نصرت مردمی امور جامعه تنظیم و اداره میشود. بنابراین مردم جامعه؛ از شاخصهای یک نظام سیاسی مردم سالاری هستند. از آنجا که نظارت مردمی در حکمرانی متعالی؛ نماد مردم سالاری است، یکی از راه های این مردمی سازی فعالیت و نظارت سازمان های مردم نهاد بر امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میباشد. با توجه به این امر که قسمت اعظمی از افراد یک جامعه را زنان تشکیل میدهند. نقش زنان در این امر قابل اعتناست. بعد از انقلاب تصویر صحیحی از زن مسلمان، زنان مسلمان ایرانی را به تداوم حضور سیاسی مؤثر در چارچوب احکام و فرامین شرعی و قانونی دعوت کرد. این بستر سبب شده است که تجربه سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران، مانند پرشی بی مانند در تاریخ زنان ایران باشد. این پژوهش با هدف بررسی «نقش نظارتی زنان در مردمی سازی حکمرانی متعالی با تأکید بر سازمان های مردم نهاد» با روش تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به این نتیجه رسیده است که زنان جامعه اسلامی به واسطه ی فعالیت در سازمان های مردم نهاد میتوانند بر امور سیاسی نظارت نهادی، مردمی، شخصی داشته باشند و به این طریق نقش موثری را در حکمرانی متعالی ایفا کنند.

کلید واژه : زنان، مردمی سازی، حکمرانی متعالی، سازمان مردم نهاد، نظار و، مردم سالاری دینی



بیان مسئله

در دورانی که مطابق ترسیم مقام معظم رهبری (مدظله) در مرحله دولت اسلامی قرار داریم، پژوهش در موضوعات مرتبط با دولت اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. در فرهنگ دینی اسلام بارها به پدیده‌ی حکمرانی اشاره شده است. همچنین دستورات صریح دین مبین اسلام در سال‌ها قبل از طرح ایده‌ی حکمرانی، در قرآن روایات و سیره‌ی پیامبران و امامان مبنای حکمرانی بیان شده است و بعد از گذشت قرن‌ها فلسفه غرب به تازگی آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش نیاز توسعه همه جانبه ارائه نموده است. حکمرانی، الگوهای مختلف آن و تحقیق پیرامون مبنای اسلامی حکمرانی یکی از الزامات طراحی و استقرار دولت اسلامی در نظریه حاکمیت مردم، قدرت برآمده از درون قشرهای مردم است که، با حرکتی از پایین به بالا، از قاعده هرم اجتماعی آغاز میشود و تا رأس هرم صعود میکند (قاضی، ۱۳۷۰: ۲۳۱؛ توکلی نیا و شمس پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰) شاید دقیق‌ترین تعریف حکمرانی در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی آمده باشد: «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا گوناگون را همساز می‌کند و اقدامی همکاری جویانه انتخاب می‌گردد. دولت شفاف کارآمد و درستکار، بر شایسته‌سالاری، قوانین و مقررات ساده و روشن استوار است و حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۷۸) بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعالیت‌های کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می‌گیرد. بنابراین مردمی‌سازی و مردم‌سالاری از پایه‌ها و مبنای اساسی یک حکمرانی متعالی است. از آنجا که نظارت مردمی در حکمرانی متعالی؛ نماد مردم‌سالاری است، یکی از راه‌های این مردمی‌سازی فعالیت و نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد بر امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. با توجه به این امر که قسمت اعظمی از افراد یک جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. نقش زنان در این امر قابل اعتناست. بعد از انقلاب تصویر صحیحی از زن مسلمان، زنان مسلمان ایرانی را به تداوم حضور سیاسی مؤثر در چارچوب احکام و فرامین شرعی و قانونی دعوت کرد. این بستر سبب شده است که تجربه سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران، مانند پرشی بی‌مانند در تاریخ زنان ایران باشد. هدف این پژوهش بررسی «نقش نظارتی زنان در مردمی‌سازی حکمرانی متعالی با تاکید بر سازمان‌های مردم‌نهاد» می‌باشد.

ضرورت پژوهش



مشارکت زنان در طول تاریخ از عوامل عینی و ذهنی بیشماری ریشه گرفته، کمیت و کیفیت متفاوتی پیدا کرده و همواره با موانعی روبرو بوده و این قبیل پژوهش‌ها باید گامی در جهت شفافسازی موانع و راههای برونرفت از آن باشند و شناسایی تنگناهای مدیریتی زنان و موانع مشارکتی آنان و شناسایی سازوکار ارتقا و مشارکت زنان از ضرورت‌های این تحقیق است.

حکمرانی

ریشه‌یابی کلمه حکمرانی ما را به فعل راهبری یا هدایت کردن می‌رساند؛ این واژه چنانکه از فرهنگ بر می‌آید هم معنای حکومت و ازگان اکسفورد بوده است. در اینجا حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت کردن، مقام یا کارکرد حکومت کردن است (کایر، ۱۳۸۶: ۳). حکمرانی مفهومی چالشی، ظریف و پیچیده است که نیازمند ایضاح و تفسیر است؛ گرچه حکمرانی مفهومی مرتبط با حاکمیت و دولت است اما مترادف با آن‌ها نیست. در فرهنگ "هریتیج" واژه حکمرانی «فعالیت، شیوه عمل، یا قدرت حکم راندن؛ معنا شده است» و در فرهنگ سیاسی «آکسفورد» حکمرانی فعالیت یا روش حکمراندن اعمال کنترل یا قدرت بر زیر دستان نظامی از قوانین و مقررات تعریف شده است. (زارعی، تنظیمی، ۱۳۹۴) در میان تعاریف مختلف درباره حکمرانی، تعریف کافمن و همکارانش که کارشناسان بانک جهانی هستند و شاخص‌هایی را نیز بر اساس آن، برای سنجش حکمرانی بیان کرده‌اند، حائز اهمیت است؛ زیرا در بسیاری از پژوهش‌های کمی از شاخص‌های آنان استفاده می‌شود. آن‌ها حکمرانی را سنت‌ها و نهادهایی تعریف کرده‌اند که بر اساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این مجموعه عبارتند از

(۱) فرایندی که بر اساس آن، حاکمان انتخاب می‌شوند، بر آنها نظارت می‌گردد و تغییر می‌کنند

(۲) ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست‌های درست را به گونه‌ای کارآمد تدوین و اجرا کند

(۳) احترام شهروندان و مردم به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها را اداره می‌کند (کافمن، البتون: ۱۹۹۱)

چینا معتقد است واژه حکمرانی برای بحث درباره دو موضوع مرتبط استفاده می‌شود: نخست، همه جنبه‌های شیوه اداره یک ملت که نهادها، سیاست‌ها، قوانین، مقررات، فرایندها و سازوکارهای نظارتی را شامل می‌شود و دیگر مجموعه فرهنگ و ایدئولوژی مرتبط با حکمرانی، یعنی ارزش‌ها، فرهنگ، سنت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که در حوزه حکمرانی وجود دارد (چینا، ۲۰۰۹: ۷۹).

از دلایل اقبال به حکمرانی عبارتند از: عوامل مختلفی از جمله شکست برنامه‌های قبلی توسعه، گسترش توجه به نهادها در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آگاهی به اهمیت عوامل سیاسی در توسعه کشورها، پی بردن اقتصاددانان به اشتباه بودن برخی فروض نئوکلاسیکی و برخی عوامل دیگر مانند



فروپاشی کمونیسم، در تبدیل پارادایم حکمرانی به پارادایم غالب توسعه مؤثر بوده است (نیکونسبتی، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

انواع مدل‌های حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذینفعان در یک رویه حکمرانی باعث می‌شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله :

الف. حکمرانی خوب

" حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمانهای بین المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمانهای غیردولتی، بخش خصوصی، گروههای ذی نفوذ و رسانه ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمانها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت پذیری.

ب. حکمرانی سالم

در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تاکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می باشد.

ج. حکمرانی متعالی

به شیوه ای از حکمرانی گفته می شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه های گسترده تر مطرح می باشد. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعالسازی ظرفیتهای کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می گیرد.

مؤلفه ها و عناصر حکمرانی متعالی از منظر اندیشمندان مسلمان عبارتند از: ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ مردم سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛ مشارکت مردم، مشورت پذیری و تصمیمگیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی؛ امانتداری، وفای به



عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت رسانی به آحاد مردم جامعه؛ که البته آنها را میتوان از سرفصلهای اساسی حکمرانی متعالی معرفی کرد و از هر عنوانی جزئیاتی بیشتر استخراج نمود (عابدی درچه، ۱۳۹۹: ۲۴۳). بنابراین، مفهوم مردم و مردم سالاری در ایدئولوژی‌های دینی و به طور خاص اسلام سیاسی، جزء جدایی ناپذیر آنهاست.

مردم سالاری

مردم سالاری در یک دسته بندی عام به مردم سالاری دینی و غیردینی تقسیم میشود. معنای این امر آن است که هر چند شاکله نظامهای مردم سالار براساس رأی بیشتر مردم است، اما محتوای یک نظام مردم سالار، گاه محتوایی دینی و گاهی غیردینی است. محتوای نظامهای سیاسی مردم سالار غیردینی نیز یکسان نیست. این نظامهای سیاسی به مکتبهای فکری متنوعی در عصر کنونی وابسته اند. برخی از آنها با مکتب اصالت آزادی، نسبتی وثیق دارند. به این نوع نظام سیاسی، «لیبرال دموکراسی» گفته میشود. برخی دیگر از آنها به لحاظ محتوا به مکتب اصالت جامعه گرایی دارند. این نوع نظامهای حکومتی مردم سالار به نام «جمهوری سوسیالیستی» شناخته میشوند (طالبی، ۱۳۹۴: ۷۶). یک تعریف مورد قبول همگان از مردم سالاری بر دو نهاد انتخابات آزاد و منظم و حقوق و نیز مسئولیت های مدنی متکی است. هر دو نهاد، قدرت دولت را کاهش میدهد، اولی به ما این اعتماد را میدهد که میتوانیم افراد خلاق را از کار برکنار کنیم و دومی این اطمینان را ایجاد میکند که افراد فاسد در صورت ادامه کار نیز نمیتوانند خلاقی انجام دهند (۱۱- ۱۰: Berger, ۱۹۹۲).

مردم سالاری دینی

مفهوم مردم سالار دینی از دو مولفه «مردم سالار» و «دین» تشکیل میشود. این مفهوم مثل ترکیب عبارت «جمهوری اسلامی» است؛ یعنی مردم سالاری مثل جمهوری، نشان دهنده شکل و توجه به نقش مردم و «دینی» نشان دهنده جهت و محتوای حکومت است که همان احکام و قوانین اسلام باشد (اکبری معلم، ۱۳۹۶: ۱۰۸) در مردم سالاری دینی و در شریعت الهی این موضوع مطرح است که مردم باید حاکم را بخواهند تا او مورد قبول باشد و حق داشته باشد که حکومت کند. چون در منطق اسلام، رأی مردم براساس کرامت انسان پیش خدای متعال معتبر است. به نظر میرسد دو رکن اساسی جمعی بودن اقتدار و مشارکت مردمی در محورهای اساسی مردم سالاری دینی با توضیح ماهیت نظام مردم سالاری و چگونگی تحقق آن میتوانند مفهوم واحد مردم سالاری دینی به مثابه حکومت مردم مسلمان را توضیح دهند (عبدالحسین پورفرد، ۱۳۸۸: ۱۲۰- ۸۸). در مردم سالاری دینی آزادی و رأی مردم در پناه حق محوری؛ یعنی رعایت قوانین الهی و عدالت طلبی، محافظت میشود، ولی در نظامهای رایج لیبرالیستی، منشأ حق، از فرد یا اقلیت و در بهترین وجه، از اکثریت سرچشمه میگردد و درستی و نادرستی آن با



دورکیم در ضرورت کنترل تا آنجا پیش می‌رود که یکی از عوامل ناهنجاری را عدم نظارت و کنترل اجتماعی می‌داند. لوئیس کوزر به نقل از دورکیم می‌نویسد: «هر گاه نفوذ نظارت کننده جامعه به گرایش‌های فردی، کارآیی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند جامعه به بی‌هنجاری دچار خواهد شد».

در آموزه‌های دین اسلام هم مسأله نظارت و کنترل اجتماعی به صورت خیلی جدی مطرح شده است. از رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) در این خصوص روایات متعددی وارد شده است. از جمله این روایت را امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل کرد که رسول خدا (ص) فرمودند: «هرگاه هنجارشکنی، حریم‌شکنی و معصیت خدا به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، هر چند هنجارشکنان اندک و اکثریت مردم، افرادی قانونمند و هنجارمند باشند، ولی این اکثریت نظارت و کنترل را رها کنند، عذاب خواهند شد».

حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) نیز در وصیت خویش به فرزندان در خصوص بی‌توجهی به نظارت و کنترل انحرافات یادآور می‌شود که هرگاه نظارت بر رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط انسانهای هنجارشکن و کجرو و منحرف بر جامعه صالحان است. در آن صورت طلب خیر و استمداد از خدای سبحان سودی ندارد و خدا پاسخ مثبت نخواهد داد. زیرا تسلط افراد کجرو و منحرف بر فرهنگ جامعه، نتیجه سستی و بی‌توجهی شما به وظیفه اجتماعی خود، یعنی نظارت و کنترل اجتماعی می‌باشد.

به هر حال بر صاحبان فکر و اندیشه این مسأله پوشیده نیست که هر جامعه‌ای برای آن که از سلامت لازم برخوردار باشد و بتواند فرهنگ اصیل خود را حفظ نماید، باید از نظارت و کنترل اجتماعی برخوردار باشد. و اگر مرزهای کشور به سوی تمامی ابزارهای حرمت‌شکن، باز باشد و مسئولان کشور هیچ گونه محدودیت و کنترل بر ورود فرهنگ بیگانه در کشور نداشته باشند، طبیعی است که نتیجه این سهل‌انگاری غلط چیزی جز به نابودی کشاندن حیات فرهنگی آن جامعه از طریق دشمنان نخواهد بود.

نقش سیاسی زنان از دیدگاه قرآن

آنچه در رابطه با نگاه قرآن به مشارکت زن در عرصه قانون گذاری مطرح شد، عیناً در بخش دیگری از حاکمیت یعنی قضاوت و دستگاه قضایی نیز قابل تطبیق است؛ آیات قرآن درباره قضاوت و داوری و حلّ و فصل دعاوی بسیار کلی و فراگیر هستند و هیچ گونه جنسیتی در آنها لحاظ نشده است: خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها ردّ کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.^۱ و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، پس آنان ستمگرانند.^۲

^۱ (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) نساء/۵۸

^۲ (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) مائده/۴۵



واگر دآوری کردی پس به عدالت میان شان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.^۳ در تمام این آیات آنچه که بر آن تأکید شده است دآوری بر اساس حق و عدل است، اما اینکه دآوری کننده چه کسی باشد؛ زن باشد یا مرد، هیچ اشاره ای ندارد.

بنابراین از دیدگاه قرآن هر کسی که صلاحیت دآوری دارد، یعنی حق و عدل را تشخیص می‌دهد و بدان پایبند است، می‌تواند در نهاد قضا و دآوری سهم داشته باشد؛ خواه زن باشد یا مرد. ه. بخش عمده ای از مشارکت سیاسی در قالب نظارت و کنترل بر مواضع و رفتار حکومت و نقد آن یا تلاش در تأثیرگذاری و تغییر آن تجلی میکند که امروزه این کار را جامعه مدنی یا احزاب، مطبوعات و حلقه های واسطه بین مردم و حکومت به عهده می‌گیرند. قرآن کریم بحث نظارت و تأثیرگذاری را در حوزه عام جامعه؛ یعنی در رابطه فرد با فرد، فرد با حکومت و یا برعکس، و با تعبیر امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌کند، و آن را یکی از مسؤولیت های مهم و اساسی جامعه اسلامی می‌شمارد: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید.^۴ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند.^۵ با توجه به گستره مفاهیم (معروف) و (منکر) در فرهنگ قرآنی که هرگونه گفتار و رفتار مثبت و منفی را در بر می‌گیرد و با توجه به تأکیدی که قرآن در انجام رسالت نظارت و اصلاح اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر دارد، به شأن و جایگاه و همچنین دامنه فعالیت‌های کنترل و اصلاح اجتماعی به طور کلی و حوزه حکومت و قدرت به طور ویژه پی می‌بریم.

نقش زنان در حکمرانی متعالی

قرن بیست و یکم را قرن همیاری و مشارکت و قرن زنان نامیده اند. سازمانهای مردم نهاد در صدد گسترش روح همبستگی میان ملت بین المللی های جهان اند و تجربه کشورهای صنعتی و نیز کشورهای توسعه یافته در جنوب و شرق آسیا و... نشان میدهد که سازمان های مردم نهاد توان آن را دارند تا در مسیر توسعه پایدار و یا با نقادی توسعه نامتوازن، گذار جامعه را امکان پذیر سازند. زنان با جدی یافتن مشارکت اجتماعی خود و مدیریت میتوانند جایگاه خود را در امور رصد کنند و به تدبیر در آن بپردازند.

زنان و سازمانهایی که زنان در هیأت مؤسس و بدنه اصلی آن سازمانهای مردم نهاد حضور دارند با در بر گرفتن اقشار بسیاری از جامعه کارهای زیست محیطی و... و کودکان و... به افزایش رفاه اجتماعی (خدمات بهداشتی و تغذیه)، فقرزدایی، کارآفرینی، تعاونی و پژوهشهای اجتماعی یاری می‌رسانند. سازمانهای غیردولتی میتوانند با فرهنگسازی، تقویت روحیه اجتماعی و عدالت خواهی در جهت افزایش سطح توانایی و دانایی زنان فعالیت کنند و زنان در سازمانها بیش از پیش به خود و جامعه

^۳ (و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط إن الله یحبّ المقسطین) مانده/۴۲

^۴ (کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...) آل عمران/۱۱۰

^۵ (ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...) آل عمران/۱۰۴



خدمت نمایند. سازمانهای مردمنهاد، زنان و مسئولان دولتی (اصلاح و ترسیم روابط ملت و دولت. اهمیت کاربرد دیگر تحقیق آن خواهد بود که نگرش مثبت به سازمانهای غیردولتی از سوی مسئولان محلی ایجاد کند و بدان گسترش روزافزونی ببخشد اقدامات عملی بیشتری در زمینه مشارکت اجتماعی و مدیریت زنان در سمنها به وجود آید عوامل شکننده مشارکت و مدیریت زنان شناسایی و برنامه ریزی های نهادهای مدنی در جهت افزایش و نهادینه کردن مشارکت و مدیریت زنان ادامه یابد تا هم زنان نقش خویش را ایفا کنند و هم مسئولان دولتی در نگرش مثبت به فعالیت آنان موانع موجود بر سر فعالیتهای زنان را رفع کنند.

نتیجه گیری

از آنجا که نظارت مردمی در حکمرانی متعالی؛ نماد مردم سالاری است، یکی از راه های این مردمی سازی فعالیت و نظارت سازمان های مردم نهاد بر امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میباشد. زمینه سازی های فرهنگی و اجتماعی سازمان های مردم نهاد سبب میشود هر سازمان مردم نهادی در ارتباط مستقل و مشخص از دولت به امور جامعه پردازد ولی زنجیره فعالیت و انسجام اجتماعی نیز حفظ گردد. سازمانهای غیردولتی پتانسیل خوبی برای تحقق آرمانهای یک جامعه، برقراری عدالت، تداوم توسعه و بازشناسی هویت، توانایی و استعدادهای زنان در فضای متعارض جهانی خواهد بود با توجه به این امر که قسمت اعظمی از افراد یک جامعه را زنان تشکیل میدهند. نقش زنان در این امر قابل اعتناست. زنان جامعه اسلامی به واسطه ی فعالیت در سازمان های مردم نهاد میتوانند بر امور سیاسی نظارت نهادی، مردمی، شخصی داشته باشند و به این طریق نقشموتری را در حکمرانی متعالی ایفا کنند.



منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳)، ترجمه مهدی الهیقمشهای، چاپ دوم، پائیز، انتشارات خوشرو، قم.
- اکبریمعلم، علی (۱۳۹۶)، شاخصهای اندیشه سیاسی امام خمینی (در ابعاد فلسفه سیاسی (ره)، اخالق سیاسی و فقه سیاسی)، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، اقتدار ملی، جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی «ره»، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی
- توکلی نیا، جمیله و محمد کاظم شمس پویا (۱۳۹۵)، قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حسین پور فرد، مسعود (۱۳۹۸)، ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- زارعی، بهادر؛ سیدعباس احمدی و محسن عابدیدرچه (۱۳۹۸)، تبیین مولفههای حکمرانی متعالی در اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۲۰ آبان ماه ۱۳، ۹۸، صص ۱۸-.
- سیدقربیشی، مجید (۱۳۸۷)، دولت اسلامی، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
- طالبی، محمدحسین (۱۳۹۴)، رابطه حق حاکمیت، دموکراسی و مردم سالاری دینی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیستم، شماره دوم، تابستان، پیاپی ۷۶، صص-۱۰۲.
- عابدی درچه، محسن (۱۳۹۹)، الگویابی حکمرانی مطلوب به منظور ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی، تهران: پردیس البرز دانشگاه تهران، اساتید راهنما: بهادر زاعی و سیدعباس احمدی، اساتید مشاور: زهرا پیشگاهیرفر د و علیراصغر پور عزت.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانش گاه تهران
- کایر، آنه مته (۱۳۸۶) (حکمرانی) مفاهیم کلیدی (ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۶
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی های اقتصادی.



اسوه حسنه

البيعه بجايش

حکمرانی متعالی: چالش‌ها و راهبردها

ISC

از سری برنامه های سومین جشنواره علمی، فرهنگی و هنری امامت و مهدویت

میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران

نیکونسبتی، علی (۱۳۹۱)، حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۱۲۹ – ۱۵

Berger, Peter. (1992). The Uncertain Triumph of Democratic Capitalism, Journal of Democracy, July, Volume. 3, Number. 3, The Johns Hipkins University Press, Baltimore MD, PP. 10- 12.

Chibba, Michael (2009). Governance and Development: The current Role of Theory. Policy and Practice. World Economics, 10(2), 79- 108